

The relationship between school culture, teaching quality and creative self-efficacy of elementary school teachers

Leila Hoseini tabaghdehi¹ *leila.hosseinitabaghdehi@yahoo.com*

Javad Taheri² *taheri1234@yahoo.com*

Abstract

The purpose of this study was to investigate the relationship between school culture, teaching quality and creative self-efficacy of elementary school teachers in Hamedan. The present research method was applied in terms of purpose and quantitative in terms of data type, and was a descriptive-correlational research type. The statistical population of this study includes all elementary school teachers in Hamadan in the academic year 2023-2024 totaling 2433 people. The sample size using the Cochran formula is 332 people, and the stratified random sampling method was selected based on the gender of the teachers (156 males and 176 females). The instruments of the present study included standard questionnaires of Gronert's school culture (1997), Seraj's teaching quality (2002), and Karoski et al.'s creative self-efficacy (2012). Statistical hypothesis testing was performed using structural equations using path analysis. The results of the findings showed that the research model has a good fit; school culture has relationship with teaching quality and creative self-efficacy of elementary school teachers in Hamedan city. Therefore, policymakers, planners, and education and training administrators of the Education and Training Organization should provide the basis for improving the quality of education and the level of creative self-efficacy of teachers by creating a constructive and strong culture in the school, thereby providing the basis for improving the quality of education and the level of creative self-efficacy of teachers for optimal performance.

Keywords: School culture, teaching quality, creative self-efficacy, elementary school teachers

¹ Assistant professor of educational management, Ramsar branch, Islamic Azad university, Ramsar, Iran

² Master of educational management, electronic branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

رابطه بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره

ابتدایی

لیلا حسینی طبقدهی^{۱*}

جواد طاهری^۲

صص ۲۰-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱/۳۱

چکیده

هدف از این پژوهش بررسی رابطه بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان بود. روش تحقیق حاضر برحسب هدف، کاربردی و برحسب نوع داده‌ها، کمی و از نوع تحقیقات توصیفی - همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۲-۰۳، به تعداد ۲۴۳۳ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده فرمول کوکران برابر با ۳۳۲ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه بندی براساس جنسیت معلمان (۱۵۶ مرد و ۱۷۶ زن) انتخاب شدند. ابزار پژوهش حاضر شامل پرسشنامه‌های استاندارد فرهنگ مدرسه گرونرت (۱۹۹۷)، کیفیت تدریس سراج (۲۰۰۲) و خودکارآمدی خلاق کاروسکی و همکاران (۲۰۱۲) بود. آزمون فرضیه‌های آماری از طریق معادلات ساختاری به روش تحلیل مسیر استفاده شد. نتایج یافته‌ها نشان داد که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است؛ بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد، لذا سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان تعلیم و تربیت سازمان آموزش و پرورش برای رشد کیفیت آموزش و سطح خودکارآمدی خلاق معلمان با ایجاد فرهنگ سازنده و قوی در مدرسه زمینه را برای ارتقای کیفیت آموزش و سطح خودکارآمدی خلاق معلمان برای عملکرد بهینه فراهم کنند.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش، خودکارآمدی خلاق، معلمان، دوره ابتدایی،

۱ استادیار گروه مدیریت آموزشی، واحد رامسر، دانشگاه آزاد اسلامی، رامسر، ایران (نویسنده مسئول)

۲ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، واحد الکترونیک، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

سازمان‌های آموزشی و مدارس عامل اصلی و کلیدی در توسعه اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی هر جامعه‌ای محسوب می‌شوند (Majooni, Ardalan, Ghanbari & Afzali., 2021). معلمان به‌عنوان مهم‌ترین عضو و معمار سازمان‌های آموزشی و مدارس، عنصر اصلی شایستگی هر نظام آموزشی به حساب می‌آیند (Kazazi, Ebrahimi, Seifi & Esfahanii, 2020) و مدرسه یکی از سازمان‌هایی است که دارای فرهنگ خاص خویش است که با مجموعه‌ای از آداب و عرف حاکم و کدهای اخلاقی، رفتارها و روابط را شکل می‌دهد (Soleimanpouromran, 2021). به اعتقاد Deal & Peterson (1999) فرهنگ مدرسه شکلی پیچیده از سنت‌ها و آداب و رسوم است که در طول زمان از طریق تعامل معلمان، دانش‌آموزان، اولیا، و مدیران و همچنین برای مقابله با بحران‌ها و حل مشکلات به وجود می‌آید و سپس به گروه‌ها و نسل‌های بعد مدرسه منتقل می‌شود (Kiani, Zahed Bablan, Khaleghkhan & Akbari, 2023). به عبارتی، معلمان و کارکنان مدرسه با یکدیگر همکاری می‌کنند تا با کمک مأموریت و چشم‌انداز مدرسه، به مجموعه‌ای از باورها و ارزش‌ها و مفروضات مشترک خود دست یابند و در این راستا، توانایی دانش‌آموزان را برای یادگیری ارتقا دهند (Tus, 2020).

هر قدر فرهنگ مدرسه بر مشارکت تأکید کند و روابط معلمان با دانش‌آموزان و نیز دانش‌آموزان با یکدیگر دوستانه باشد و علاوه بر آن دانش‌آموزان محیط مدرسه را منصفانه ارزیابی کنند؛ در دانش‌آموزان احساس مثبتی نسبت به خود و درس و مطالعه ایجاد می‌شود (Truong, Hallinger & Sanga, 2017). در واقع وقتی سطح فرهنگ مدرسه‌ای بالا باشد، دانش‌آموزان آموزش خوبی دریافت کرده و مطالب مفیدی یاد می‌گیرند. آنها می‌آموزند که مسئولیت‌پذیر بوده و از دیگران مراقبت کنند. در این مدارس به دانش‌آموزان فرصت تفکر در مورد مسائل دنیای واقعی داده می‌شود. همچنین آنها در مدرسه امکانات و فرصت رسیدن به آینده‌ای خوب و دلخواه را دارند، در نتیجه این ویژگی‌ها باعث می‌شوند که دانش‌آموزان احساس شایستگی کرده و به این باور برسند که در مدرسه هر روز پیشرفت می‌کنند (Mirzaei Fandokht, Dortaj, Saadipour, Ebrahimi Ghavam & Delavar, 2020).

بقاء و تداوم فعالیت مدارس و مؤسسات آموزشی به چگونگی کارایی و اثربخشی معلمان بستگی دارد و معلم به عنوان یک نیروی انسانی، از عوامل اساسی آموزش و پرورش هر کشور است (Parlar, Polatcan & Cansoy, 2019). لذا مهمترین مؤلفه در فرآیند کار و فعالیت مدارس، معلمان هستند که تدریس می‌کنند و بهبود کیفیت آموزش مستلزم ارتقاء دانش کلاس‌داری، برقراری ارتباط موثر با دانش‌آموز، اصلاح عادت‌های مطالعه، تقویت یادگیری و انجام کارکردهای مدیریت (طراحی و سازماندهی، رهبری، نظارت و کنترل و ارزشیابی) است. تحقق این عوامل جو کلاس را برای یادگیری و آموزش فراهم می‌کند. کیفیت آموزش دارای ویژگی‌های خاصی است که تفکیک کارکردها از یکدیگر به سختی امکان‌پذیر است ولی تحقق کلیه کارکردها برای ارتقاء کیفیت آموزش ضروری است. کیفیت آموزش همیشه یکی از عمده‌ترین مسائل معلمان بوده است چون همواره پیش نیاز یک محیط یادگیری اثربخش برای دستیابی به اهداف آموزشی است (Soleimanpouromran, 2021). کیفیت چالش و مسئله مهم همه جوامع است و در کشورهایی که از لحاظ درآمد در سطح پایین و متوسطی قرار دارند، عموماً کیفیت آموزشی پایین است (Wagner, Castillo & Zahra., 2020). از این رو، کیفیت آموزشی در اکثر نظام‌های آموزشی، یکی از مفاهیم اساسی در سیاست‌گذاری‌های کلان آموزشی است و به عنوان یکی از محورهای اصلی مباحث آموزشی است و ارتقای آن مهم‌ترین وظیفه نهادهای آموزشی است. تا آن‌جا که می‌توان گفت هدف تمامی نظام‌های آموزشی، برپاکردن مدارس خوب و با کیفیت است (Namara, 2018). از طرفی سالم بودن هر جامعه به کیفیت نظام آموزشی آن وابسته است و اگر دانش‌آموزان، مهارت‌ها و تخصص لازم برای انجام وظایف فردی و اجتماعی خود را به طور مؤثر و کارآمد فرانگیرند، واحدهای آموزشی رسالت خود را به انجام نرسانده‌اند و تحقق این رسالت مسالزم توجه به کیفیت آموزشی است (Askari, Elahimanesh & Parizad, 2019).

بهبود باورهای معلمان به قابلیت‌های خود که از آن به عنوان خودکارآمدی یاد می‌شود، تأثیری بسزا بر بهبود عملکرد خلاقانه معلمان دارد و در نتیجه باعث ارتقای سطح مدرسه می‌شود (Baezat, Aflakifard & Shahidi, 2017). Sarwat & Abbas (2021) خودکارآمدی را شرط اساسی برای خلق، ذخیره و کاربرد دانش جدید و عملکرد خلاقانه می‌دانند. باور به خودکارآمدی بر بسیاری از ابعاد زندگی مانند انتخاب اهداف و تصمیم‌گیری، میزان پشتکار و استقامت در مقابله با مسائل پرچالش تأثیر دارد. باورهای خودکارآمدی تعیین می‌کند که انسان چه اندازه برای انجام کارهای خود زمان می‌گذارد، هنگام برخورد با دشواری تا چه زمانی پایداری می‌کند و چه اندازه در برخورد با موقعیت‌های گوناگون نرمش‌پذیر است (Lashkari Manesh, Meschi & Tajeri, 2020). به اعتقاد Knight, Peesker & Mich (2022) خودکارآمدی کارکنان بر نحوه مواجهه آنها با مسائل دشوار و سخت تأثیر می‌گذارد. پژوهش‌ها نشان‌دهنده آن است که کارکنان دارای خودکارآمدی زیاد هنگام مواجهه با یک کار و فعالیت یا تصمیم دشوار نسبت به دیگران احساس اطمینان و آرامش بیشتری می‌کنند و در نتیجه عملکرد بهتری را از خود نشان می‌دهند؛ زیرا افراد با سطوح بالای خودکارآمدی بیشتر به تلاش خود متکی هستند و هنگام مواجهه با موانع، پافشاری بیشتری از خود نشان داده و به شرایط و اتفاقات به شیوه‌های مثبت‌تر و سازگارانه‌تر پاسخ می‌دهند به طوری که اعتقاد و اطمینان معلمان به خودکارآمدی‌شان بسیاری از موانع نوآوری را در مدارس از بین می‌برد و به آنها کمک می‌کند تا باور کنند، قادر خواهند بود سطح فعلی خود را ارتقا دهند و با چالش‌های جدید روبه‌رو شوند (Cui & Yu, 2021). Newman, Tse, Schwarz & Nielsen (2018) در بخش تولید و حمل و نقل یک شرکت چینی دریافتند که خودکارآمدی خلاق انگیزه ذاتی افراد را ارتقاء می‌بخشد و در بروز رفتارهای خلاق تأثیرگذار است. Chen & Kuo (2013) در دبیرستان‌های چین دریافتند که با افزایش خودکارآمدی خلاقانه، رفتارهای خلاقانه معلمان بهبود می‌یابد.

اگر بخواهیم کودکان و نوجوانانی سرآمد و خلاق پرورش دهیم بایستی نظام آموزشی، عوامل تأثیرگذار در این زمینه را شناسایی و برای آموزش راهکارهایی که منتهی به افزایش و توسعه نگرش خلاقیتی به آن‌ها می‌گردد، برنامه‌ریزی کند. با توجه به اینکه دانش آموزان نیروی فکری بالقوه جامعه هستند و سرمایه‌های عظیمی بابت آموزش آنها صرف می‌شود، خلاق بودن آنها امری مهم به شمار می‌رود. دانش‌آموزان برای رویارویی با تحولات شگفت انگیز هزاره سوم میلادی، باید مهارت‌های تفکر انتقادی و خلاق خود را به منظور تصمیم‌گیری مناسب و حل مسائل پیچیده‌ی جامعه بهبود بخشند (Dehghanpour, Sabet & Nyusha, 2021). در این رابطه می‌توان اشاره کرد که یکی از مشکلات مدارس ما تکیه بر محفوظات است که از نظر سطح آموزش بیشتر در قلمرو حیطه شناختی و در سطح اول و دوم و به ندرت در سطوح دیگر طبقه بندی بلوم^۱ (عاطفی - رفتاری) قرار می‌گیرد. همچنین مدارس و معلمان کمتر به افکار و رفتار خلاقانه اهتمام می‌ورزند. اگر فردی حرف‌ها یا ابتکارات غیرمعمول و غیرمتعارف از خود بروز دهد، نه تنها مورد تشویق قرار نمی‌گیرد، بلکه سرزنش نیز می‌شود (Rahmati, Baredchi, Sanjari, Hassan, 2012). Moradi, Bagherzadeh Golmakani, Banijamali & Saif (2016) در این رابطه بیان می‌کند: سرزنش و مایوس کردن دانش‌آموزان به خاطر ارائه رفتار و افکار غیر قالبی و متعارف ممکن است ریشه‌های تفکر خلاق و توانایی اکتشاف را در آنان، از همان روزهای نخستین مدرسه خشک کند. مجال دادن به دانش‌آموزان برای ارائه اندیشه‌های خود یکی از مهم‌ترین اصول ایجاد تفکر آفریننده و توانایی سازنده است.

تاکنون در خصوص ارتباط بین متغیرهای پژوهش در تحقیق‌های جداگانه، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. به عنوان مثال، Khosh Tabiyat Shoar, Rajab Pour Sastalani, Fadaei Sastalani, Esmailzadeh Modegani (2023) به بررسی فرهنگ مدرسه و خلاقیت دانش‌آموزان پرداختند. از نظر آنها، در مراکز آموزشی با فرهنگ خلاقیت‌پذیری، ارتباطات مدیر با کارکنان و دانش‌آموزان دوطرفه و متقابل خواهد بود، ایده‌های نو قابل قبول و از فرهنگ سوال پرسیدن حمایت می‌شود، در این مراکز از توانمندیهای تمام کارکنان استفاده شده و افراد بصورت خود انگیخته تلاش می‌کنند و در نهایت بطور مستمر نیازهای مشتریان توسط مرکز آموزشی پیش بینی شده و

مشتریان با خود انگیزتگی به این مراکز روی می آورند. Hassani Dizji (2022) به بررسی فرهنگ مدرسه با نحوه و میزان خلاقیت دانش آموزان پرداختند. یافته‌ها نشان داد که ارتباط نزدیکی و مستقیمی بین بالا بردن فرهنگ و تربیت دانش آموزان با سطح خلاقیت و پیشرفت آن‌ها وجود دارد. Soleimanpouromran (2021) به بررسی رابطه فرصت‌های برابر آموزشی با کیفیت زندگی مدرسه‌ای و احساس تعلق به مدرسه با نقش میانجی فرهنگ مدرسه در دبیران متوسطه پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که بین متغیرهای فرصت‌های برابر آموزشی و فرهنگ مدرسه و کیفیت زندگی مدرسه‌ای رابطه‌ای معنی‌دار وجود دارد. Ruhi, Tahmasebzade Sheykhlar & Parvari (2021) به بررسی نقش واسطه‌ای فرهنگ مدرسه بر رابطه مؤلفه‌های مدرسه اثربخش با کیفیت درس‌پژوهی در بین معلمان دوره ابتدایی پرداختند. یافته‌ها نشان دادند که بین مدرسه اثربخش و کیفیت درس‌پژوهی رابطه معناداری وجود ندارد، ولی بین فرهنگ مدرسه و کیفیت درس‌پژوهی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین فرهنگ مدرسه بر رابطه مؤلفه‌های مدرسه اثربخش با کیفیت درس‌پژوهی نقش واسطه‌ای دارد و مدرسه اثربخش به واسطه فرهنگ مدرسه در کیفیت درس‌پژوهی نقش دارد و می‌توان نتیجه گرفت که توجه به فرهنگ مدرسه می‌تواند کیفیت درس‌پژوهی را تقویت نماید.

Makvandi (2020) به بررسی عوامل موثر بر کیفیت آموزش و تدریس در دانشگاه فرهنگیان از دیدگاه دانشجو معلمان (مطالعه موردی: پردیس‌های استان خوزستان) پرداخت. یافته‌ها نشان دادند که از دیدگاه دانشجو معلمان، هفت عامل بالاترین نقش را در کیفیت آموزش و تدریس داشته‌اند که شامل: ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای اساتید، مدیریت کلاس درس، برنامه ریزی درسی، فضای فیزیکی، ارزشیابی آموزشی توسط اساتید، نقش آموزش و پرورش، نقش دانشگاه فرهنگیان، می‌باشند. Hoang & Le (2024) به بررسی تأثیر رهبری تحول آفرین بر خودکارآمدی و تسهیم دانش معلمان: نقش تعدیل کننده فرهنگ مدرسه دانش محور پرداختند. یافته‌ها نشان داد که رهبری تحول آفرین ممکن است یک پیشرو مهم برای ایجاد تأثیرات قابل توجهی بر رفتارهای تسهیم دانش ضمنی و صریح معلمان به طور مستقیم یا غیرمستقیم از طریق تأثیر مثبت آن بر خودکارآمدی دانش باشد. علاوه بر این، این مقاله نقش تعدیل کننده فرهنگ مدرسه دانش محور را در تقویت تأثیر رهبری تحول آفرین بر رفتارهای تسهیم دانش ضمنی و صریح معلمان برجسته می‌کند. Wang (2023) به بررسی تأثیر فرهنگ مدرسه بر انگیزه تحصیلی دانش آموزان پرداخت. یافته‌ها نشان می‌دهد که بین فرهنگ مدرسه حمایتی و مثبت و انگیزه دانش‌آموزان همبستگی معناداری وجود دارد. یک محیط مدرسه پرورش دهنده، که با اعضای هیئت علمی حمایت کننده، همتایان مشارکتی و دسترسی به منابع مشخص می‌شود، در ایجاد یک جو انگیزشی مناسب برای پیگیری تحصیلی مفید است. این مطالعه با ارائه بینش‌هایی در مورد تعامل پویا بین فرهنگ مدرسه و انگیزه تحصیلی، با مفاهیمی برای مربیان، مدیران و سیاست‌گذاران با هدف افزایش کیفیت آموزش و تجارب یادگیری دانش‌آموزان، به ادبیات موجود کمک می‌کند.

Wei, Chuang & Smith (2022) به بررسی رابطه بین گشودگی فرهنگ مدرسه به راه حل‌های خلاقانه و شیوه‌های آموزشی مبتنی بر تحقیق پرداختند. از نظر آنها در حالی که انتظار می‌رود آموزش مبتنی بر تحقیق، دانش آموزان را برای زندگی و کار آینده خود در دنیای مدرن به خوبی آماده کند، تحقیقات نشان می‌دهد که معلمان هنوز شیوه‌های تدریس سنتی تر مبتنی بر سخنرانی را ترجیح می‌دهند. برای بررسی بهتر موضوعات زیربنای پذیرش آموزش مبتنی بر پرسش، این مطالعه این فرضیه را مطرح کرد که آموزش مبتنی بر پرسش شامل رفتار حل مسئله خلاقانه است و بنابراین به یک عامل مهم اما کم‌آزموده در انتخاب معلمان برای پذیرش آموزش مبتنی بر پرسش توجه کرد: درک فرهنگ باز بودن مدارس خود در جستجوی راه حل‌های خلاقانه در زمینه آموزش و یادگیری. تجزیه و تحلیل داده‌های نظرسنجی بین‌المللی تدریس و یادگیری در سال ۲۰۱۸ از معلمان دبیرستان‌های راهنمایی در تایوان شواهدی مبنی بر وجود رابطه بین ادراک معلمان از فرهنگ مدرسه که برای راه‌حل‌های خلاقانه باز است و شیوه‌های تدریس مبتنی بر پرسش معلمان، با خود معلمان ارائه کرد. اثربخشی در آموزش مبتنی بر تحقیق به عنوان یک عامل میانجی عمل می‌کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که آموزش مبتنی بر تحقیق با پرورش یک محیط مدرسه که با گشودگی به راه‌حل‌های خلاق مشخص می‌شود، تقویت می‌شود. Susanti, Wardiah & Lian (2020) به بررسی تأثیر نظارت تحصیلی مدیران مدارس و فرهنگ مدرسه بر کیفیت تدریس معلمان پرداختند. نتایج تحقیق حاکی از آن است که متغیر نظارت تحصیلی مدیر بر کیفیت تدریس معلمان تأثیر مثبت و

معناداری دارد. تأثیر مثبت و معناداری متغیر فرهنگ مدرسه بر کیفیت تدریس معلمان وجود دارد. و نظارت تحصیلی مدیر مدرسه و فرهنگ مدرسه بر کیفیت تدریس تأثیر دارد.

هر چند که مطالعاتی در زمینه پیامدهای فرهنگ مدرسه انجام شده است، اما لازم است که هر منطقه آموزشی به بررسی پیامدهای فرهنگ مدرسه از جمله کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان بپردازد. پژوهشگر با بررسی پیشینه پژوهش دریافته است که چنین پژوهشی که همزمان نقش فرهنگ مدرسه در کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان را بررسی کرده باشد، آن هم در مقطع ابتدایی تاکنون صورت نگرفته است و خلأ پژوهشی احساس می‌شود. از این رو انجام چنین پژوهشی میتواند نتایج کاملاً جدید و کاربردی به دنبال داشته باشد و برای مدیران، معلمان و دانش‌آموزان بسیار حائز اهمیت باشد. از اینرو این تحقیق شامل دو فرضیه می‌باشد. فرضیه اول: بین فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان دوره ابتدایی رابطه وجود دارد. فرضیه دوم: بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی رابطه وجود دارد.

روش تحقیق

تحقیق حاضر بر اساس هدف از نوع کاربردی و به لحاظ ماهیت داده‌ها توصیفی از نوع همبستگی (مدل معادلات ساختاری) بود. جامعه‌ی آماری این پژوهش شامل کلیه معلمان مقطع ابتدایی شهر همدان در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲، به تعداد ۲۴۳۳ نفر می‌باشد. حجم نمونه با استفاده فرمول کوکران برابر با ۳۳۲ نفر می‌باشد و روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی براساس جنسیت معلمان (۱۵۶ مرد و ۱۷۶ زن) انتخاب شدند. برای گردآوری داده‌ها از سه پرسشنامه استاندارد به شرح زیر استفاده شد:

پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت (۱۹۹۷): به منظور سنجش فرهنگ مدرسه از پرسشنامه فرهنگ مدرسه گرونرت (۱۹۷۷)، به نقل از سوزانتی و همکاران، (۲۰۲۰)، استفاده شد که مشتمل بر ۳۵ گویه در مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت (کاملاً موافق، ۵، موافق، ۴، متوسط، ۳، مخالف، ۲، کاملاً مخالف) در ۶ مؤلفه‌ی رهبری همیارانه (۱۱ گویه)، حمایت همکاران (۴ گویه)، اشتراک یادگیری (۴ گویه)، توسعه حرفه‌ای (۵ گویه)، مشارکت معلمان (۶ گویه)، وحدت هدف (۵ گویه) تنظیم شده است. روایی این پرسشنامه در پژوهش Koolayi, Zahed Babolan, Moeeni Kiya & Rezayi Sharif (2017) مورد تایید قرار گرفته و میزان پایایی آن نیز با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۳ بدست آمده است. همچنین در پژوهش حاضر در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۵۰ به‌دست آمد.

پرسشنامه کیفیت تدریس سراج (۲۰۰۲): پرسشنامه کیفیت تدریس دارای ۲۰ سوال بوده که توسط سراج در سال ۲۰۰۲ طراحی و تنظیم شده است و هدف از این پرسشنامه ارزیابی کیفیت تدریسی در ابعاد مختلف می‌باشد که دارای ۴ بعد (طرح درس، اجرای تدریس، ارزشیابی تدریس و روابط بین فردی) می‌باشد و بر اساس طیف ۴ درجه‌ای لیکرت (تاثیر ندارد=۱؛ تاثیر کمی دارد=۲؛ تاثیرگذار است=۳ و بسیار موثر است=۴) درجه‌بندی شده است (به نقل از سوزانتی و همکاران، ۲۰۲۰). این پرسشنامه چهار ویژگی کلی مربوط به کیفیت تدریس (طرح درس، اجرای تدریس، ارزشیابی تدریس و روابط بین فردی) را می‌سنجد. برای بدست آوردن امتیاز مربوط به هر بعد، مجموع امتیازات مربوط به تک تک سوالات آن بعد را با هم محاسبه نمائید. امتیازات بالاتر در هر بعد نشان دهنده تاثیرگذاری بالاتر آن بعد بر کیفیت تدریس از دیدگاه فرد پاسخ دهنده خواهد بود و برعکس. در پژوهش Zaboli, Malmoun & Hassani (2014) روایی صوری و محتوای پرسشنامه توسط کارشناسان و اساتید دانشگاه بررسی و مورد تایید قرار گرفت، همچنین پایایی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۷۶ بدست آمده است که نشان دهنده پایایی خوب این ابزار است. همچنین در پژوهش حاضر در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۸۰ به‌دست آمد.

پرسشنامه خودکارآمدی خلاق کاروسکی و همکاران (۲۰۱۲): این مقیاس توسط کاروسکی و همکارانش (۲۰۱۲)؛ به نقل از شیپر و همکاران، (۲۰۲۰) تنظیم و بکار برده شده است. این پرسشنامه دارای ۱۱ گویه، در مقیاس ۵ درجه ای لیکرت (کاملاً موافق ۵، موافق ۴، متوسط ۳، مخالف ۲، کاملاً مخالف ۱) صورت بندی شده است. در پژوهش Zahed Babolan & seid kalan (2015) روایی صوری و محتوایی پرسشنامه مورد تأیید صاحب نظران بود و پایایی آن با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۹۵ محاسبه شده که تنها یک عامل به نام خودکارآمدی خلاق را می سنجد. همچنین در پژوهش حاضر در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۶۰ به دست آمد. ملاحظات اخلاقی در این پژوهش، شرکت آگاهانه و از روی رضایت شرکت کنندگان، محافظت از اطلاعات خصوصی و شخصی داوطلبان، تفسیر نتایج در صورت تمایل آزمودنی ها و راهنمایی های لازم به منظور پیگیری به داوطلبان در صورت مشاهده هر گونه اختلال بود.

پس از دریافت همه پرسشنامه ها، داده های حاصل از پرسشنامه ها در نرم افزار آماری SPSS نسخه ۲۶ و PLS smart(3.3.3) وارد شد و تجزیه و تحلیل داده ها از طریق مدلسازی معادلات ساختاری انجام شد.

یافته ها

یافته ها نشان داد که ۱۷۶ نفر زن (۵۳ درصد) و ۱۵۶ نفر مرد (۴۷ درصد) می باشند. ۷۷ نفر مجرد (۲۳،۲ درصد)، ۲۴۲ نفر متاهل (۷۲،۹ درصد) و ۱۳ نفر هم گزینه سایر «یعنی بیوه، مطلقه، همسرفوت کرده» (۳،۹ درصد) می باشند. همچنین، ۳۷ نفر دارای سنی زیر ۲۵ سال (۱۱،۱ درصد)، ۹۸ نفر دارای سنی بین ۲۵ تا ۳۵ سال (۲۹،۵ درصد)، ۱۳۶ نفر دارای سنی بین ۳۵ تا ۴۵ سال (۴۱ درصد)، ۴۷ نفر دارای سنی بین ۴۵ تا ۵۵ سال (۱۴،۲ درصد) و ۱۴ نفر دارای سنی بالای ۵۵ سال (۴،۲ درصد) می باشد. بنابراین بیشترین شرکت کننده در این تحقیق متعلق به افراد با رده سنی ۳۵ تا ۴۵ سال می باشد.

جدول ۱: شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد سوالات	کمترین نمره	بیشترین نمره	میانگین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
رهبری همیارانه	۱۱	۲۱	۵۵	۴۰/۷۷	۷/۰۱۷	-۰/۰۸	-۰/۵۲۴
مشارکت معلمان	۶	۱۱	۳۰	۲۱/۸۹	۴/۳۹۸	-۰/۱۵۹	-۰/۸۷۲
توسعه حرفه ای	۵	۱۰	۲۵	۱۹/۰۸	۳/۶۶	-۰/۰۸۹	-۰/۹۵۴
وحدت هدف	۵	۸	۲۵	۱۸/۳۹	۳/۶۲۴	-۰/۱۷۷	-۰/۵۵۰
حمایت همکاران	۴	۶	۲۰	۱۵/۰۱	۲/۸۷۱	-۰/۱۵۷	-۰/۵۱۱
اشتراک یادگیری	۴	۷	۲۰	۱۴/۶۱	۳/۰۷۵	-۰/۰۳۳	-۰/۷۱۲
فرهنگ مدرسه	۳۵	۸۴	۱۶۹	۱۲۹/۷۵	۱۲/۲۵۹	-۰/۲۷۱	-۰/۷۳۷
طرح درس	۵	۶	۲۰	۱۴/۷۸	۲/۹۶۱	-۰/۰۱۰	-۰/۶۵۵
اجرای تدریس	۵	۸	۲۰	۱۴/۲	۲/۹۱۷	۰/۱۱۲	۰/۹۵۳

ارزشیابی تدریس	۵	۷	۲۰	۱۴/۵۶	۳/۲۵۲	۰/۰۳۹	-۰/۹۶۶
روابط بین فردی	۵	۷	۲۰	۱۴/۵۸	۲/۸۸۲	۰/۰۵	-۰/۶۱۱
کیفیت آموزش	۲۰	۳۳	۸۰	۵۸/۱۲	۱۰/۳۰۵	-۰/۰۰۱	-۰/۹۰۵
خودکارآمدی خلاق	۱۱	۲۴	۵۵	۴۰/۹۵	۴/۹۱۲	-۰/۰۰۸	-۰/۶۶۷

مطابق با جدول فوق شاخص های مرکزی و پراکندگی متغیرهای پژوهش یعنی فرهنگ مدرسه (رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و اشتراک یادگیری)، کیفیت آموزش (طرح درس، اجرای تدریس، ارزشیابی تدریس و روابط بین فردی) و خودکارآمدی خلاق آمده است، همچنین نرمال بودن داده ها به وسیله دو شاخص کشیدگی و کجی سنجیده شده است. ضریب چولگی و ضریب کشیدگی، دو شاخص اساسی توزیع داده ها هستند که با داشتن این شاخص ها می توان به نرمال بودن یا نبودن توزیع داده ها پی برد. چولگی معیاری از تقارن یا عدم تقارن تابع توزیع می باشد. کشیدگی نشان دهنده ارتفاع یک توزیع است. به عبارت دیگر کشیدگی معیاری از بلندی منحنی در نقطه ماکزیمم است. همیشه کشیدگی را با کشیدگی توزیع نرمال مقایسه میکنند. برای این مقادیر منابع مختلف مقادیر مختلف ارائه داده اند. به عنوان مثال چپو و همکاران (۱۹۹۸) مقادیر این دو شاخص را جهت نرمال بودن داده ها بین (۲ و -۲) می دانند. ستون کشیدگی و چولگی در جدول ۱ نشان دهنده این دو شاخص می باشد. همانطور که در جدول ۱ نشان داده شده است میزان کشیدگی و چولگی تمامی داده ها بین ± 2 می باشد که نشان دهنده نرمال بودن داده ها است.

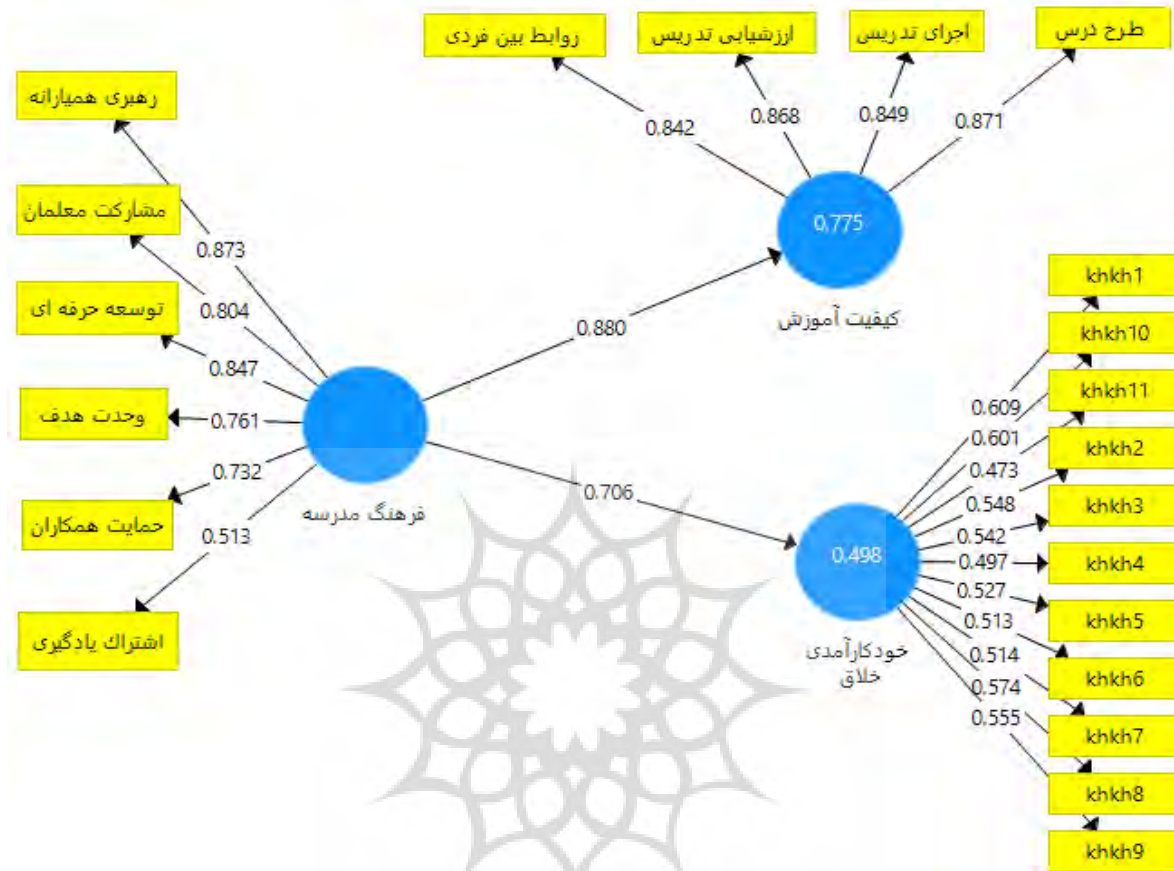
با توجه به اینکه متغیرهای فرهنگ مدرسه (رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و اشتراک یادگیری)، کیفیت آموزش (طرح درس، اجرای تدریس، ارزشیابی تدریس و روابط بین فردی) و خودکارآمدی خلاق دارای توزیع نرمال می باشند جهت آزمون از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می گردد.

جدول ۲: ماتریس همبستگی متغیرهای مکنون

متغیرها	طرح درس	اجرای تدریس	ارزشیابی تدریس	روابط بین فردی	کیفیت آموزش	خودکارآمدی خلاق
رهبری همیارانه	۰/۷۷۷**	۰/۵۶۸**	۰/۶۸۵**	۰/۶۴۷**	۰/۷۷۹**	۰/۶**
مشارکت معلمان	۰/۶۶**	۰/۵۲۳**	۰/۶۱۹**	۰/۵۲۶**	۰/۶۸**	۰/۵۹۷**
توسعه حرفه ای	۰/۶۵۳**	۰/۶۳۷**	۰/۷۱۵**	۰/۶۰۱**	۰/۷۶۲**	۰/۵۷۴**
وحدت هدف	۰/۵۹۵**	۰/۴۹۱**	۰/۶۱۶**	۰/۵۲۵**	۰/۶۵۱**	۰/۵۱۲**
حمایت همکاران	۰/۵۵۶**	۰/۵۴**	۰/۵۳۴**	۰/۵۴**	۰/۶۳۲**	۰/۴۹۵**
اشتراک یادگیری	۰/۲۹۲**	۰/۵۰۹**	۰/۳۴۳**	۰/۵۴**	۰/۷۸۷**	۰/۴۰۵**
فرهنگ مدرسه	۰/۷۹۷**	۰/۷۰۲**	۰/۷۷۷**	۰/۷۳۵**	۰/۸۷۹**	۰/۶۹۹**

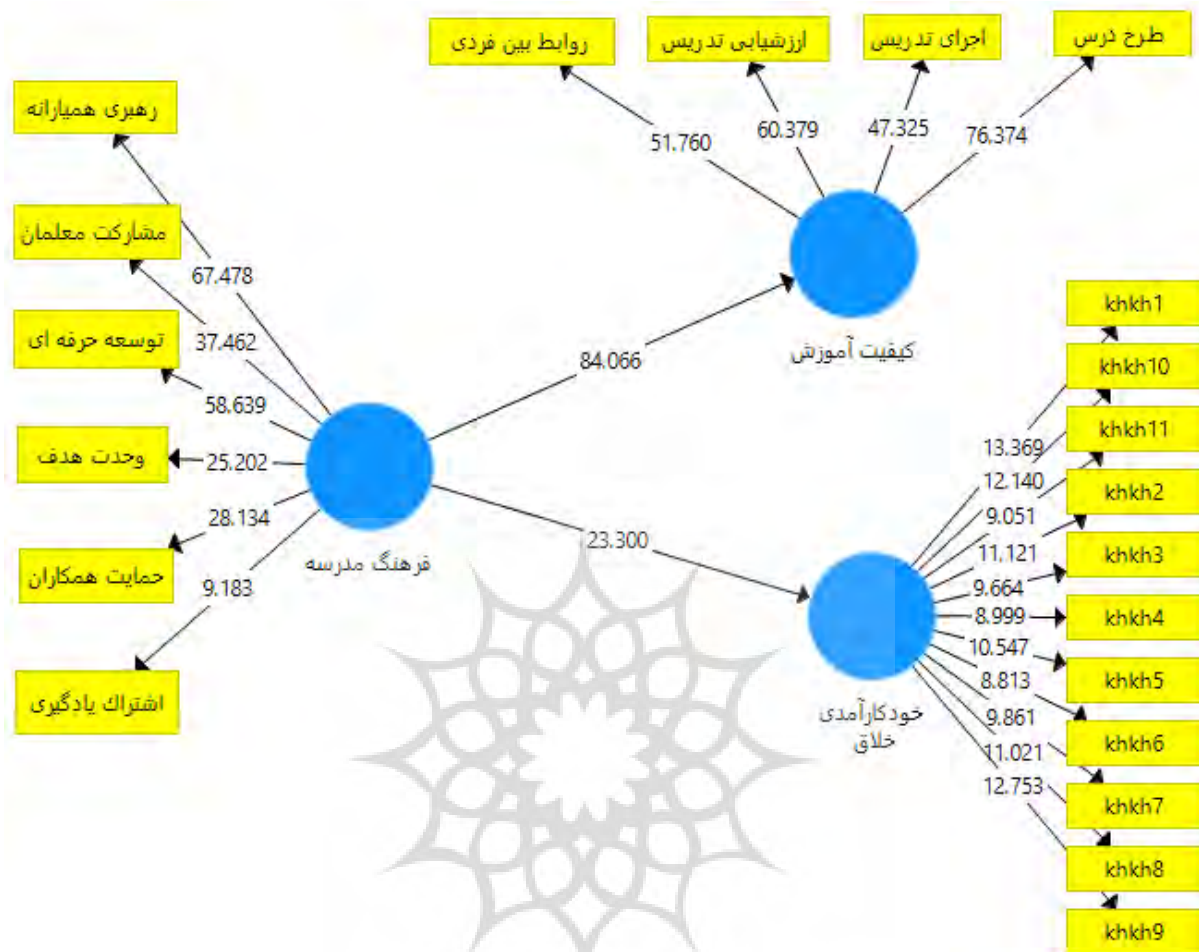
**p<0/01 *p<0/05

جدول فوق رابطه بین متغیرهای پژوهش را نشان می دهد. همانطور که در جدول ۲ مشاهده می شود: بین فرهنگ مدرسه (رهبری همیارانه، مشارکت معلمان، توسعه حرفه ای، وحدت هدف، حمایت همکاران و اشتراک یادگیری) با کیفیت آموزش (طرح درس، اجرای تدریس، ارزشیابی تدریس و روابط بین فردی) و خودکارآمدی خلاق رابطه معنی دار مثبت و مستقیم در سطح معناداری ۹۹ وجود دارد.



شکل ۱: مدل مفهومی برازش شده در حالت تخمین استاندارد

شکل ۱ معناداری ضرایب و پارامترهای به دست آمده مدل اندازه گیری بعدهای متغیرهای این پژوهش را نشان می دهد. چنانچه معناداری خارج از $(\pm 1,96)$ باشد رابطه موجود در مدل پژوهش معنادار خواهد بود. بر این اساس شکل ۱ نشان می دهد بیشتر روابط بین متغیرهای پنهان و آشکار این پژوهش معنادار است. یک مدل معادلات ساختاری که از روش حداقل مربعات جزئی (PLS) در حل آن استفاده شده است، می بایست در دو مرحله تحلیل و تفسیر شود. ابتدا مدل اندازه گیری و سپس مدل ساختاری مورد تحلیل و تفسیر قرار می گیرد (سانچز و لیگرو، ۲۰۱۰). منظور از بررسی مدل اندازه گیری، بررسی وزن ها و بارهای متغیرهای مکنون و منظور از بررسی مدل ساختاری بررسی ضرایب مسیر بین متغیرهای مکنون می باشد.



شکل ۲: مدل مفهومی برازش شده در حالت معناداری پارامترها

تحلیل مدل اندازه‌گیری: در این مرحله، تعیین می‌شود که آیا مفاهیم نظری به درستی توسط متغیرهای مشاهده شده اندازه‌گیری شده اند یا خیر. بدین منظور روایی و پایایی آنها بررسی می‌گردد. در یک مدل PLS، پایایی هر یک از نشانگرهای همبسته‌های مکنون (سازه)، سازگاری درونی (پایایی سازه) و همچنین روایی همگام مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در سطح مدل اندازه‌گیری، پی‌ال‌اس بارهای عاملی آیتم و کوواریانس باقیمانده را برآورد می‌کند. در سطح ساختاری، پی‌ال‌اس ضرایب مسیر و همبستگی‌های میان متغیرهای پنهان را همراه R^2 و AVE برای هریک از سازه‌های پنهان برآورد می‌کند. سپس مقادیر T و بارهای عاملی برای هر دو مسیر با استفاده از روش چک نایف یا بوت استرپ محاسبه می‌شوند. برازش خوب مدل با ضرایب مسیر معنی‌دار، R^2 بالا و قابل قبول، سازگاری درونی (اعتبار سازه) بالاتر از ۰.۷ برای هر سازه تعیین می‌شود (مؤنی و فعال قیومی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، با توجه به آنچه مطرح شد در ارتباط با برازش مدل باید گفت که PLS شاخص برازش (همانند دیگر

5 Indicators

6 Individual reliability of each item for constructs

7 Internal consistency

8 Internal consistency

9 Construct validity

1 . Average Variance Extract

0

روش‌ها مانند لیزرل و آموس) مدل ارائه نمی‌کند ولی می‌تواند مقادیر T-Values را برای بارهای عاملی از طریق تکنیک‌های بوت‌استرپ برآورد کند. در مدل اعداد معناداری، مقادیری که از عدد ۱,۹۶ بزرگ‌تر و از ۱/۹۶- کوچک‌ترند معنی‌دار بوده و فرضیه‌ها تأیید می‌شوند و گرنه رد می‌شوند (مؤمنی و فعال قیومی، ۱۳۹۲). شاخص‌های برازندگی مدل مفهومی این پژوهش حاکی از مناسب بودن مدل اندازه‌گیری است. در ادامه مقدار واریانس استخراج‌شده، ضریب آلفای کرونباخ و پایایی مرکب این پژوهش در جداول مربوطه آورده شده است. تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول و دوم: جهت تحلیل عاملی تأییدی متغیرهای پژوهش، در مدل پی‌ال‌اس توسط میزان بارهای عاملی هر نشانگر (گویه: سوال) مشخص می‌شود. ارزش هریک از بارهای عاملی گویه‌های متغیر مربوطه میبایست بزرگتر یا مساوی ۰,۳ باشد (فالک و میلر، ۱۹۹۲). باتوجه به اینکه تمامی مقادیر بیشتر از ۱/۹۶ می‌باشد و معنی‌دار بوده در نتیجه ابزار تحقیق از روایی مناسب برخوردار است. پایایی سازه (سازگاری درونی): پایایی سازه این امکان را فراهم می‌سازد تا سازگاری درونی شاخص‌هایی که یک مفهوم را می‌سنجند بررسی شود. به عبارت دیگر پایایی سازه نشان می‌دهد متغیرهای مشاهده شده (نشانگرها) با چه دقتی متغیر مکنون را می‌سنجند. برای اندازه‌گیری این پایایی، شاخص پایایی ترکیبی در مدل پی‌ال‌اس ارائه می‌شود. این شاخص بر اساس ضریب آلفای کرونباخ محاسبه می‌شود. مقدار این شاخص باید بزرگتر یا مساوی ۰,۷ باشد. جدول ۳ مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی را برای هریک از متغیرهای مکنون نشان می‌دهد. همانطور که مشاهده می‌شود مقدار ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی در جدول ذیل همگی بالاتر از ۰/۷ می‌باشند. لذا مدل اندازه‌گیری از پایایی سازه مناسبی برخوردار است.

جدول ۳: ضریب آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	آلفای کرونباخ	پایایی ترکیبی
فرهنگ مدرسه	۰/۸۵۰	۰/۸۹۲
کیفیت آموزش	۰/۸۸۰	۰/۹۱۷
خودکارآمدی خلاق	۰/۷۶۰	۰/۸۲۱

روایی (اعتبار) همگرا: روایی همگرا دومین معیاری است که برای برازش مدل‌های اندازه‌گیری در روش پی‌ال‌اس به کار برده می‌شود. فورنل و لارکر (۱۹۸۱) معیار شاخص میانگین واریانس استخراج شده را برای سنجش روایی همگرا معرفی کردند که بیانگر میانگین واریانس به اشتراک گذاشته بین هر سازه با شاخص‌هایش می‌باشد؛ این شاخص بیانگر میزان واریانسی است که یک سازه از نشانگرهایش بدست می‌آورد. برای این معیار مگنر ۲ همکاران (۱۹۹۶) و فورنل و لارکر (۱۹۸۱) در مطالعه خود بر حداقل مقدار ۰,۳ به عنوان سطح پذیرش شاخص میانگین واریانس استخراج شده تأکید داشته‌اند. مقادیر بیشتر از ۰/۳ را به این دلیل پیشنهاد کرده‌اند که تضمین‌کننده آن است حداقل ۳۰ درصد واریانس یک سازه توسط نشانگرهایش تعریف می‌شود. در ادامه نتایج حاصل از بررسی روایی همگرا در تحقیق حاضر ارائه شده است. بنابراین به منظور بررسی دقیق روایی ابزار تحقیق از شاخص میانگین واریانس استخراج شده در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴: روایی همگرای متغیرهای مکنون تحقیق

نام متغیر	AVE
فرهنگ مدرسه	۰/۵۸۴

1. I.AVE

12. Magner

13. Fornell & Larcker

کیفیت آموزش	۰/۷۳۵
خودکارآمدی خلاق	۰/۵۹۵

همانطور که در جدول ۴ ملاحظه می شود تمامی مقادیر میانگین واریانس استخراج شده از ۰,۵ بیشتر بوده و بنابراین مدل اندازه گیری از روایی همگرایی مناسب برخوردار است. بررسی شاخص مدل: برای بررسی کیفیت یا اعتبار مدل از بررسی اعتبار اشتراک و شاخص بررسی اعتبار حشو با افزونگی استفاده شد. شاخص اشتراک، کیفیت مدل اندازه گیری هر بلوک را مورد سنجش قرار می دهد و شاخص حشو با در نظر گرفتن مدل اندازه گیری کیفیت، مدل ساختاری را برای هر بلوک درون زاد اندازه گیری می کند. مقادیر مثبت این شاخص ها بیانگر کیفیت مناسب و قابل قبول مدل اندازه گیری و ساختاری است.

جدول ۵: شاخص اشتراک و شاخص حشو

نام متغیر	CV-Com	CV-Red
فرهنگ مدرسه	۰/۴۲۹	۰/۰۰۰
کیفیت آموزش	۰/۵۴۶	۰/۷۷۵
خودکارآمدی خلاق	۰/۱۵	۰/۴۹۸

در جدول فوق مقادیر هریک از شاخص های مربوط به متغیرهای مستقل و وابسته یعنی فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق آمده است. همان طور که مشاهده می شود، شاخص ها مثبت و بزرگ تر از صفر است و مدل دارای اعتبار مناسبی است.

معیار R^2 : R^2 معیاری است که برای متصل کردن بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل سازی معادلات ساختاری به کار می رود و نشان از تأثیری دارد که یک متغیر برون زا یا مستقل بر یک متغیر درون زا یا وابسته می گذارد. یکی از مزیت های اصلی در روش حداقل مربعات جزئی یا PLS این است که این روش قابلیت کاهش خطاها در مدل های اندازه گیری و یا افزایش واریانس بین متغیرها و سوالات را دارد. این معیار برای بررسی برازش مدل ساختاری در یک پژوهش ضرایب R^2 مربوط به متغیرهای پنهان درون زای (وابسته) مدل است. مقدار R^2 برای متغیرهای برون زا یا مستقل برابر صفر است. مقدار R^2 تنها برای متغیرهای درون زای مدل ارائه می شود و در مورد سازه های برون زا مقدار آن برابر صفر است هرچه مقدار R^2 مربوط به سازه های درون زای مدل بیشتر باشد نشان از برازش بهتر مدل است. چن (۲۰۰۱) سه مقدار ۰/۱۹، ۰/۳۳ و ۰/۶۷ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای برازش مدل معرفی کرده است. نتایج مقدار R^2 در جدول ۶ گزارش شده است:

جدول ۶: شاخص مقدار R^2

نام متغیر	R^2
کیفیت آموزش	۰/۷۷۵
خودکارآمدی خلاق	۰/۴۹۸

با توجه به سه مقدار ۰,۱۹، ۰,۳۳ و ۰,۶۷ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای R^2 معرفی شده است و حصول مقادیر بیشتر از ۰,۳۳، نشان از برازش کلی متوسط تا قوی مدل دارد.

برازش کلی مدل: (معیار GOF): مهمترین شاخص برازش مدل در تکنیک حداقل مجزورات جزئی شاخص GOF است این شاخص توسط تننهاوس و همکاران (۲۰۰۴) ابداع گردید و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{= \text{avrage(communality)}^2 * R^2}$$

وتزلس و همکاران (۲۰۰۹) سه مقدار ۰,۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ را به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی نموده‌اند. این شاخص با استفاده از میانگین هندسی شاخص R2 و میانگین شاخص‌های افزونگی قابل محاسبه است و طبق فرمول زیر محاسبه می‌شود.

$$GOF = \sqrt{= \text{avrage(AVE)}^2 * R^2}$$

به باور تننهاوس و همکاران (۲۰۰۴) شاخص GOF در مدل PLS راه حلی عملی برای این مشکل بررسی برازش کلی مدل بوده و همانند شاخص‌های برازش در روش‌های مبتنی بر کوواریانس عمل می‌کند و از آن می‌توان برای بررسی اعتبار یا کیفیت مدل PLS به صورت کلی استفاده کرد. این شاخص نیز همانند شاخص‌های برازش مدل لیزرل عمل می‌کند و بین صفر تا یک قرار دارد و مقادیر نزدیک به یک نشانگر کیفیت مناسب مدل هستند. البته باید توجه داشت این شاخص همانند شاخص‌های مبتنی بر خی دو در مدل‌های لیزرل به بررسی میزان برازش مدل نظری با داده‌های گردآوری شده نمی‌پردازد. بلکه توانایی پیش‌بینی کلی مدل را مورد بررسی قرار می‌دهد و اینکه آیا مدل آزمون‌شده در پیش‌بینی متغیرهای مکنون درون‌زا موفق بوده است یا نه. معیار GOF مربوط به بخش کلی مدل‌های معادلات ساختاری است. بدین معنا که توسط این معیار محقق می‌تواند پس از بررسی برازش بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل پژوهش، بخش کلی را نیز کنترل نماید. این معیار طبق فرمول فوق برابر است با:

$$GOF = \sqrt{= \text{avrage(AVE)}^2 * R^2}$$

GOF = ۰,۳۹۶ لذا با توجه به سه مقدار ۰,۱، ۰,۲۵ و ۰,۳۶ که به عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GOF معرفی شده است و حصول مقدار ۰,۳۹۶ که بیشتر از ۰,۳۶ است، نشان از برازش قوی مدل دارد. با توجه به مطالب و نتایج بالا و شاخص‌های کمی می‌توان گفت که مدل پژوهش از برازش مطلوبی برخوردار است و بنابراین می‌توان با استفاده از نتایج آن به بررسی فرضیه‌های این پژوهش پرداخت و به نتایجی دست یافت.

آزمون فرضیه‌ها

فرضیه اول: بین فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.

جدول ۷: ضریب مسیر رابطه فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع روش	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
فرهنگ مدرسه	کیفیت آموزش	مستقیم	۰/۸۸	۰/۰۱	۸۴/۰۶۶	۰/۰۰۰	تایید فرضیه

مطابق با جدول ۷ و با توجه به شکل ۱ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان رابطه وجود دارد و شکل ۲ معناداری این اثر را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین متغیر فرهنگ مدرسه بر کیفیت آموزش معلمان برابر $0/88$ است و اینکه مقدار احتمال (P-value) برابر با $0/000$ که درواقع عدد معنی‌داری با $84/066$ بزرگ‌تر از $1,96$ است (شکل ۲)، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0,05$ معنی‌دار است، یعنی فرهنگ مدرسه بر کیفیت آموزش معلمان رابطه مستقیم دارد. بنابراین این فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه دوم: بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.

جدول ۸: ضریب مسیر رابطه فرهنگ مدرسه بر خودکارآمدی خلاق معلمان

متغیر مستقل	متغیر وابسته	نوع روش	ضریب مسیر	انحراف استاندارد	آماره t	سطح معنی داری	نتیجه
فرهنگ مدرسه	خودکارآمدی خلاق	مستقیم	$0/706$	$0/03$	$23/3$	$0/000$	تایید فرضیه

مطابق با جدول ۸، نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان رابطه وجود دارد و شکل ۲ معناداری این اثر را در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد. همان‌طور که در شکل ۱ مشاهده می‌شود مقدار ضریب مسیر برای رابطه بین متغیر فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان برابر $0/706$ است و اینکه مقدار احتمال (P-value) برابر با $0/000$ که درواقع عدد معنی‌داری با $23/3$ بزرگ‌تر از $1,96$ است (شکل ۲)، می‌توان نتیجه گرفت که این ضریب مسیر در سطح خطای $0,05$ معنی‌دار است، یعنی بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان رابطه مستقیم وجود دارد. بنابراین این فرضیه مورد تایید قرار می‌گیرد.

فرضیه اصلی: بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.

باتوجه به اینکه فرضیه اول و دوم پژوهش به عنوان فرضیه های فرعی فرضیه اصلی بودند و هر دو فرضیه مورد تایید قرار گرفت بنابراین فرضیه اصلی پژوهش مورد تایید قرار می‌گیرد. به عبارتی فرهنگ مدرسه بر کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان تاثیر دارد.

جدول ۹: خلاصه نتایج آزمون فرضیه‌ها براساس مدل ساختاری pls

فرضیه ها	نتیجه
بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.	تایید
بین فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.	تایید
بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان رابطه وجود دارد.	تایید

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی رابطه بین فرهنگ مدرسه، کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی شهر همدان بود. نتایج نشان داد که بین فرهنگ مدرسه و کیفیت آموزش معلمان رابطه وجود دارد. یافته های این پژوهش با نتایج پژوهش های، Soleimanpouromran (2021)، Ruhi et al (2021)، Makvandi (2020) و Susanti, Wardiah & Lian (2020) همسو است. در تبیین این نتایج می توان گفت، کلید موفقیت آموزش مدرسه به فرهنگ مدرسه با کیفیت خوب، یعنی «فرهنگ مدرسه بر آنچه مردم به آن توجه می کنند (تمرکز)، نحوه هم ذات پنداری آنها با مدرسه (تعهد)، میزان سختی کار (انگیزه) و درجه ای که آنها به اهداف خود می رسند (بهره وری) بستگی دارد و وجود فرهنگ های منحصر به فرد مدرسه به هر مدرسه اجازه می دهد تا مزایای متمایز خود را نشان دهد و تأثیر زیادی بر عملکرد و اثربخشی مدرسه دارد. باتوجه به اینکه با افزایش عملکرد معلم، نتایج یادگیری دانش آموزان افزایش می یابد. به همین ترتیب، بهبود عملکرد معلمان و نتایج یادگیری دانش آموزان، آموزش با کیفیت ملی را تشویق می کند. این ثابت می کند که عملکرد معلم تحت تأثیر فرهنگ مدرسه است. به عبارت دیگر وجود امیدها و مطالبات برای بهبود عملکرد معلمان نیز تا حد زیادی با حمایت فرهنگ مدرسه تعیین می شود. فرهنگ مدرسه سالم، پویا و خلاق به طور طبیعی عملکرد معلم را در فرآیند و نتایج یادگیری تشویق خواهد کرد. کیفیت آموزشی که در مدارس اتفاق می افتد از فرهنگی که در مدرسه شکل می گیرد جدا نیست. اگر فرهنگ مدرسه مستلزم یادگیری فعال و خلاقانه و نوآورانه باشد، هر معلم و دانش آموزی نسبت به انجام چنین یادگیری احساس مسئولیت خواهد کرد. حتی بدون قوانین استاندارد، اجرای یادگیری به خوبی انجام خواهد شد. از این رو این امر بیان می شود که فرهنگ مدرسه تأثیر زیادی بر تلاش ها برای بهبود کیفیت یادگیری دارد. مطابق با دستورالعمل های وزارت آموزش ملی (۲۰۱۰)، فرهنگ مدرسه شامل ارزش هایی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم پیشرفت مدرسه را تعیین می کند، یعنی؛ رهبری، مثال، دوستی، بردباری، سخت کوشی، نظم و انضباط، مراقبت اجتماعی، مراقبت از محیط زیست، ملی گرایی و مسئولیت پذیری. این یافته با تحقیقات قبلی همخوانی دارد که افزایش عملکرد معلمان صرفاً ناشی از تشویق درونی هر معلم نیست، بلکه مستلزم جو، اقلیم و فرهنگ مدارس است که به صورت پویا، خلاقانه و نوآورانه ایجاد شود (آمتو^۱ و همکاران، ۲۰۲۰). هم معلمان و هم دانش آموزان به فرهنگ مدرسه ای نیاز دارند که خلاق، سازنده، پویا و نوآور باشد تا علاقه معلم به توسعه عملکرد را برانگیزد و دانش آموزان را برای یافتن فضای یادگیری که موفقیت آنها را در یادگیری تسهیل می کند، برانگیزد. بنابراین منطقی به نظر می رسد که فرهنگ مدرسه بر کیفیت آموزش تأثیر داشته باشد.

از دیگر نتایج این پژوهش می توان به رابطه بین فرهنگ مدرسه و خودکارآمدی خلاق معلمان دوره ابتدایی اشاره کرد. این یافته با نتایج پژوهش های، Wei et al (2023)، Khosh Tabiyat Shoar et al (2023)، Hassani Dizji (2022)، Hoang & Le (2024)، Wang (2023) و (2023) همسو است. در تبیین این یافته می توان گفت که، در مدرسه ای که فرهنگ مشارکتی وجود داشته باشد و هدف های مشترک مدرسه با مشارکت کادر آموزشی متناسب با نیازهای مدرسه طراحی و اجرا شود، تأثیر موثری در خودکارآمدی معلمان خواهد داشت. معلمان زمانی که درک می کنند در تصمیم گیری ها نیازهای آنها لحاظ شده و پس از اجماع کلی تصمیم های حرفه ای گرفته می شود، به همان اندازه احساس کارآمدی زیادی نسبت به انجام فعالیت های خود می کنند و در همین راستا، هدف های مدرسه به سمت بهبود یادگیری دانش آموزان و معلمان جهت داده می شود. زمانی که معلمان نحوه تدریس یکدیگر را مورد مشاهده قرار میدهند و موجبات آگاهی از فعالیت ها و برنامه های سایر معلمان را فراهم می آورند، این امر موجب می شود آنها بتوانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند و در راهبردهای آموزشی خود و مدیریت کلاس که از ابعاد خودکارآمدی می باشند بهره ببرند و به نوعی خودکارآمدی خود را ارتقا دهند. اگر قرار باشد مفهوم خودکارآمدی خلاق در سازمان نهادینه شود و معلمان بتوانند تصمیماتی مناسب و مستقل و در راستای کارآمدی سازمانی اتخاذ نمایند باید فرهنگ مدرسه ای این گونه رفتارها را تشویق، ترغیب و حمایت نماید چون اگر بستر مناسب فرهنگی وجود نداشته باشد معلمان نیز انگیزه لازم را نخواهند داشت. پس در پایان باید ادعا کرد یکی از عواملی که میتواند

سبب تقویت متغیر خودکارآمدی خلاق معلمان در مدرسه گردد متغیر فرهنگ مدرسه می‌باشد. بنابراین فرهنگ مدرسه یکی از متغیرهای اثرگذار بر خودکارآمدی خلاق معلمان است. درواقع به تبع فرهنگ مدرسه است که سطح خودکارآمدی خلاق معلمان رشد می‌کند. اگر در مدرسه بستر فرهنگی به شکلی مهیا باشد که معلمان در محیطی انعطاف‌پذیر فعالیت کنند و در انجام دادن وظایف خودمختار باشند، احساس ارزشمندی می‌کنند و به لحاظ روانی آماده پذیرش مسئولیت خود میشوند و به توانایی‌های خود در انجام دادن امور محوله باور می‌کنند که به عملکرد بهینه و ارتقای سطح خودکارآمدی آنان منجر میشود. در مقابل، اگر در مدرسه فرهنگ مناسبی حاکم نباشد، تلاشهای انجام گرفته برای ارتقای سطح خودکارآمدی معلمان با شکست مواجهه خواهد شد. بنابراین مدیران مدارس باید انرژی بیشتری را برای توسعه فرهنگ مثبت و مشارکتی در مدرسه اختصاص دهند تا بتوانند زمینه را برای رشد سطح خودکارآمدی خلاق معلمان تسهیل کنند. بنابراین منطقی به نظر می‌رسد که فرهنگ مدرسه بر خودکارآمدی خلاق معلمان تاثیر داشته باشد.

باتوجه به تاثیر فرهنگ مدرسه بر کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق به سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان تعلیم و تربیت پیشنهاد میشود برای ارتقای کیفیت آموزش و سطح خودکارآمدی خلاق معلمان، کارگاه‌های آموزش حضوری یا مجازی درباره عوامل مؤثر بر کیفیت آموزش و خودکارآمدی خلاق معلمان، ازجمله فرهنگ مدرسه، برگزار کنند. و همچنین، پیشنهاد میشود معلمان در مدارس از تجارب یکدیگر استفاده کنند و دروس موردنظر خود را به طور مشترک و با همکاری هم طراحی، تدریس، مشاهده، تجزیه و تحلیل و تجدیدنظر کنند تا کیفیت تجربیاتی که برای یادگیری دانش‌آموزان به کار گرفته‌اند، بهبود یابد و از این طریق خودباوری در میان آنها ایجاد شود. همچنین باید فرهنگ‌سازی در خصوص تبدیل مدارس از جایی برای آموزش به مکانی برای یادگیری و جایگزینی تفکر سیستمی و انتقادی اتفاق افتد تا معلم به مدرسه و کارکرد آن احساس تعلق کند و خود را عضوی از سیستم مدرسه بداند. مدیران و راهبران باید مؤلفه‌های فرهنگ مدرسه (رهبری همیارانه، حمایت همکاران، اشتراک یادگیری، توسعه حرفه‌ای، مشارکت معلمان و وحدت هدف) را تقویت کنند تا مدرسه به سازمانی تبدیل شود که در آن همه کارکنان مدرسه مسئول عملکرد بهینه، خلق دانش و نوآوری باشند. در بستر چنین فرهنگی در مدرسه معلمان به توانایی‌ها و استعدادهای خود باور پیدا میکنند و خودکارآمدی آنان افزایش یابد.

References

- Askari, M., Elahimanesh, M.H., & Parizad, R. (2019). A Comparison Study of Iranian and Japanese educational policy at Elementary level. *Strategic Studies Of Public Policy* (strategic studies of globalization journal), 9(30), 113-132. SID. <https://sid.ir/paper/230007/en> (In Persian)
- Baezat, S., Aflakifard, H., & Shahidi, N. (2017). The Relationship of Knowledge Management, Teachers' Self-Efficacy and Creativity in Shiraz Pre-School Centers. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 7(28), 169-184 (In Persian)
- Bagherzadeh Golmakani, Z., Banijamali, Sh. A., & Saif, A.A. (2016). Comparison of the developing process of female and male students creativity in high and low region, *Innovation & creativity in human science*, 5(3), 33-58. <https://sid.ir/paper/223404/en> (In persian)
- Chen, Y.-S., & Kuo, M.-C. (2013). Four-dimensional achievement goal effects on creative teaching performance: Testing the mediating effects of creative self-efficacy and the cross-level moderating effects of team learning behavior. *Journal of Research in Education Sciences*, 58(3), 85-120.
- Cui, Y., & Yu, G. (2021). A cross-level examination of team-directed empowering leadership and subordinates' innovative performance: An AMO theory perspective. *International Journal of Manpower*. 42(7), 1257-1278.
- Deal, T. E., & Peterson, K. D. (1999). Shaping school culture: The heart of leadership. *Adolescence*. 34 (136), 802.
- Dehghanpour Farashah, M., Sabet, M., & Nyusha, B. (2021). Explaining the structural relationship between personality traits and creativity based on the mediating role of intelligence and knowledge. *Innovation and Creativity in Humanities*, 11(1), 189-212. SID. <https://sid.ir/paper/1032545/fa> (In Persian)
- Hassani Dizji, M. (2022). Studying school culture with the nature and level of students' creativity, *Ormazd Research Journal*, 13(59). <https://civilica.com/doc/1841006> (In Persian)
- Hoang, T. N., & Le, P. B. (2024). The influence of transformational leadership on self-efficacy and knowledge sharing of teachers: moderating role of knowledge-oriented school culture. *VINE Journal of Information and Knowledge Management Systems*.
- Kazazi, Z., Ebrahimi, S., Seifi, A., & Esfahani Zadeh, A. (2020). The relationship between teachers' creativity and the effectiveness of teaching mathematics in the sixth grade of elementary school. *Progress in Basic Science Education*, 6(20), 20-35. (In Persian)

Khosh Tabiyat Shoar, S., Rajab Pour Sastalani, A., Fadaei Sastalani, Z., Esmailzadeh Modegani, M. (2023). *School Culture and Student Creativity*, Thirteenth National Conference on Law, Social Sciences and Humanities, Psychology and Counseling, Shirvan, <https://civilica.com/doc/1766698> (In Persian)

Kiani, F. , Zahed Bablan, A. , Khaleghkhan, A. and Akbari, T. (2023). Designing and Validating the Successful School Culture Model. *Organizational Culture Management*, 21(1), 41-60. doi: 10.22059/jomc.2022.346909.1008482 (In Persian)

Knight, P., Peesker, K., & Mich, C. C. (2022). The development of self-efficacy and self-leadership within USA accredited sales programs: An exploratory study on sales career preparedness. *Higher Education, Skills and Work-Based Learning*. 12(1), 26-49.

Koolayi, Q., Zahed Babolan, A., Moeeni Kiya, M. and Rezayi Sharif, A. (2017). Psychometric Properties of School Culture Survey. *Educational and Scholastic studies*, 6(1), 63-88 (In Persian)

Lashkari Manesh, B. , Meschi, F. and Tajeri, B. (2020). Predicting Job Commitment Based on Difficulty with Emotion Regulation, Coping Self-efficacy, Problems with Mediation of Existential Anxiety in Operating Room Personnel. *Medical Journal of Mashhad university of Medical Sciences*, 62(5.1), 661-669. doi: 10.22038/mjms.2020.15534 (In Persian)

Majooni, H. , Ardalan, M. R. , Ghanbari, S. and Afzali, A. (2021). Investigating the Relationship between Level Five Leadership and Structural Empowerment with School Organizational Excellence through the Mediating Role of Teachers' Psychological Empowerment. *Journal of Applied Sociology*, 32(4), 97-118. doi: 10.22108/jas.2021.128223.2085 (In Persian)

Makvandi, M. (2020). Investigating the Factors Affecting the Quality of Education and Teaching in Farhangian University from the Student-Teacher Perspective (Case Study: Campuses in Khuzestan Province). *Journal of Pouyesh in Education and Consultation (JPEC)*, 1399(12), 2-23. (In Persian)

Mirzaei Fandokht, O., Dortaj, F., Saadipour, E, Ebrahimi Ghavam, S, Delavar, A. (2020). The Mediating Role of Basic Psychological Needs in the Relationship between School Culture and Academic Engagement of student. *J Child Ment Health*:7(1):81-92 URL: <http://childmentalhealth.ir/article-1-982-fa.html> (In Persian)

Namara, F. (2018). Factors Affecting Provision of Quality Basic Education in Nyagatare District-Rwanda. *Journal of African Interdisciplinary Studies*. 2(3):09-119.

Newman, A., Tse, H. M., Schwarz, G., & Nielsen, I. (2018). The effects of employees' creative self-efficacy on innovative behavior: The role of entrepreneurial leadership. *Journal of Business Research*, 89, 1-9.

Parlar, H., Polatcan, M., & Cansoy, R. (2019). The relationship between social capital and innovativeness climate in schools: The intermediary role of professional learning communities. *International Journal of Educational Management*.

Rahmati, F., Baredchi, M. H., Sanjari, A. R., Hassan Moradi, N. (2012), Designing a Model for Cultivating Creativity in Female Students of the Second Year of Theoretical High School in, *Quarterly Journal of Educational Leadership and Management*, 16(3-61), 183-212. (In persian)

Ruhi, M. , Tahmasebzade Sheykhlar, D. and Parvari, A. (2021). The mediating role of school culture on the relationship between effective school components and the quality of lesson study among primary school teachers. *Research in Teaching*, 9(3), 77-102. 20.1001.1.24765686.1400.9.3.5.1 (In Persian)

Sarwat, N., & Abbas, M. (2021). Individual knowledge creation ability: Dispositional antecedents and relationship to innovative performance. *European Journal of Innovation Management*. 24(5), 1763-1781.

Soleimanpouromran. M. S. (2021). The Relationship between Equal Educational Opportunities with Quality of School Life and School Belonging with the Mediating Role of School Culture in High School Teachers. *Journal of educational research*; 9 (43): 14. URL: <http://erj.khu.ac.ir/article-1-789-fa.html> (In Persian)

Susanti, S., Wardiah, D., & Lian, B. (2020). Effect of academic supervision of school heads and school culture on quality teaching teachers. *International Journal of Progressive Sciences and Technologies*, 20(1), 67-77.

Truong, T. D., Hallinger, P., & Sanga, K. (2017). Confucian values and school leadership in Vietnam: Exploring the influence of culture on principal decision-making. *Educational Management Administration & Leadership*, 45(1), 77–100.

Tus, J. (2020). An Assessment of the School Culture and Its Impact on the Academic Performance of the Students. *IJARW*| ISSN (O)-2582-1008 May, 1 (11).

Wang, Y. (2023). Study on the Influence of School Culture on Students' Academic Motivation. *Journal of Education and Educational Research*, 5(2), 141-144.

Wagner, D. A., Castillo, N. M., & Zahra, F. T. (2020). Global learning equity and education: looking ahead: Background paper for the Futures of Education initiative.

Wei, J. H., Chuang, H. H., & Smith, T. J. (2022). The Relationship between a School Culture's Openness to Creative Solutions and Inquiry based Teaching Practices. *The Journal of Creative Behavior*, 56(3), 382-395.

Zaboli R.A., Malmoun Z., Hassani M. (2014). Relationship of Factors Affecting the Quality of Teaching: Structural Equation Modeling. Educ Strategy Med Sci 2014; 7 (5) :315-321, URL: <http://edcbmj.ir/article-1-669-fa.html> (In Persian)

Zahed Babolan, A., & seid kalan, S.M. (2015). The impact of perceived organizational innovative climate on Student teachers' creative self-efficacy and innovative behaviors using structural equation modeling. MEO 2015; 4 (1) :103-125 URL: <http://journalieaa.ir/article-1-31-fa.html> (In Persian)

